



🍓 name:strawberry love 🍓

couple:first khaotung 🐱🐱

Genres:fluff

(فرست)

میگه فیلم نامه من خوب نیست کارگردان احمق لیاقت نداری
اینقدر اعصابم خورد بود که اصلا حس نمیکردم دارم زیر بارون
شدید راه میرم لباسم همه خیس شده مشغول غرغر کردن بودم
که صدایی شنیدم یه صدایی شبیه صدای بچه گربه
+میو میو

به طرف صدا رفتم حدسم درست بود یه بچه گربه بود زیر بارون
رفتم سمتش بغلش کردم
_کوچولو اینجا چی کار میکنی مامانت رو گم کردی
دلم نمیومد بزارمش برم خیلی خیس شده بود اگه مامانش هم نیاد
چی تصمیم گرفتم بچه گربه رو ببرم
_حتما خیلی سردته کوچولو الان میبرمت خونه گرم شی شیر گرم
هم دارم
+میو میو

_آیگووو معلومه گشته آره شیر گرم دارم میخوری گرم میشی
یک لحظه عصبانیتم که بابت نظر کارگردانی که بهم گفته بود فیلم

نامت بدرد نمیخوره از اول برو یکی دیگه بنویس رو فراموش کردم
رفتیم خونه لباس های خودمم خیس شده بودن سریع عوض کردم
بچه گربه گلی شده بود باید میبردمش حموم ولی تا میخواستم
ببرمش صداش دراومد

+میوووو میوووو

_کوچولو باید تمیز بشی

+میوووو میوووو

چه پیشی کوچولو لجبازی بود بالاخره حمومش کردم خشکش
کردم

نگاهش کردم چه بچه گربه خوشکلی بود نمیدونم چرا ولی حس
میکردم با گربه های دیگه فرق داره سفید بود مثل برف بینی و
گوش های صورتی رنگش منو یاد توت فرنگی انداخت میوه مورد
علاقم چشم های زیبایی داشت فکرکنم خودشم متوجه شد خیلی
داشتم نگاهش میکردم دمشو بهم مالوند

+میو میو

_گشته کیوتی باشه الان واست غذا میارم

شیر رو گرم کردم جلوش گذاشتم همینکه گذاشتم مشغول خوردن
شد

_معلومه خیلی گشتن بودا

موقع خواب شد از چشم های پیشی کوچولو معلوم بود خوابش
میاد روی تخت دراز کشیدم بغلش کردم چه بوی خوبی میداد انگار
تو مایه های گل رز و وانیل بود چه نرم هم هست همش حس
میکنم این بچه گربه با گربه های عادی فرق داره
بغلش کردم چشم هام داشتن کم کم گرم میشدن
(خاتانگ)

خفه شدم این پسره چرا اینقدر منو سفت بغل کرده باید فرار کنم
وگرنه صبح منو ببینه سخته قلبی مغزی همه رو باهم میزنه ولی
چه قدر جذابه وقتی خوابه مثل فرشته هاست
به سختی خودمو از بغلش کشیدم بیرون خداروشکر خوابشم
سنگینه از تخت پریدم پایین از اتاق بیرون رفتم پریدم روی مبل
اینجا خوبه واسه خوابیدن فردا انسان شدم واسش توضیح میدم
ازشم تشکر میکنم
(صبح)

کم کم چشم هامو باز کردم انگار هنوز پسره بیدار نشده چون الان
اگه منو میدید قش میکرد بدنمو کش و قوسی دادم
اه دیگه دارم از این وضعیت خسته میشم همش صبح آدم شب
گربه خب گشنمه تا بیدار نشده برم ببینم یخچال چی داریم واسه
خوردن

یه ملافه ای روی مبل بود برش داشتم دور خودم پیچیدم
اگه بیدار بشه بهم لباس میده دیگه
رفتم سراغ یخچال در یخچال رو باز کردم وای اینجا چه خبره یه
نفر آدم چه خوراکی های خوشمزه ای توی یخچالشه دهنم حسابی
آب افتاده بود کیک توت فرنگی و گیلایستی بستنی توت فرنگی و
شاه توت و توت فرنگی و خیلی چیزهای دیگه اینجا چه قدر شبیه
دنیا منی یکی از بستنی توت فرنگی هارو برداشتم خب یه دونس
دیگه تازشم دوتاس فکر نکنم ناراحت بشه
مشغول خوردن بودم که با صدایی سرمو برگردونم
_تو کی هستی؟

اوه انگار بیدار شده

+سلام ببین واست توضیح میدم

باعصبانیت گفت میگم کی هستی نکنه دزدی الان زنگ میزنم پلیس
+دزد چیه من همین بچه گربه ای هستم که آوردیش دیشب خونت
حمومم کردی بهم غذا دادی

خیلی لج باز بود هیچ جوړه باور نمی کرد بعد از توضیح های زیاد
بالاخره قبول کرد

_پس تو یه پسر گربه ای هستی؟ مال زمین هم نیستی؟

+آره من روزها انسانم شب ها گربه ام مال زمین نیستم راستش
داشتم بازی می کردم که یکی از دوستانم درمورد دنیای آدم ها گفت
منم کنجکاو شدم که بدونم دنیای شماها چه شکلیه پریدم اینجا که
دقیقا توی یه روز بارونی بود واسه همین میو میو میکردم که یکی
بهم کمک کنه که تو مهربون اومدی

_باشه حرفاتو باور کردم حالا بیا بهت لباس بدم لختی
+اوه آره راست میگی اگه لباس بدی خیلی خوب میشه
_اسمت چیه چندسالته؟

+اسمم خاتانگه هجده ساله ولی سن گربه ایم فرق میکنه هنوز
بچم

باحرفم خنده بلندی کرد

_چه جالب پس دوتا سن داری میدونستی خیلی کیوتی
+نه من کیوت نیستم
(فرست)

_خائو پوشیدی؟

+آره الان میام

بالاخره اومد نگاهش کردم آستین لباسم یکم واسش بزرگ بود
خیلی کیوت بود حتی بااینکه بچه گربه نبود خیلی کیوت بود
خندم گرفته بود

+چی شده چرا میخندی خیلی بده
_نه اتفاقا خیلی سویییتی هستی
+چندبار بگم من کیوت نیستم تو خودت کیوت تری مثل گربه هایی
راستی خودت اسمتو نگفتی
_منم فرستم

+باشه پس من صدات میزنم فرفر
چه قدر اسمم رو کیوت گفت چرا حس میکردم با شنیدن اسمم از
زبونش قلبم به تپش افتاد
_میدونی خیلی اسمم رو کیوت گفتی
اخمی کرد پاشو کوبید زمین وای یه لحظه میخواستم بغلش کنم
وبوسمش وقتی اینکارو کرد
+من کیوت نیستم نیستم فر فر کیوته

با خنده گفتم باشه باشه من تسلیم تو کیوت نیستی من کیوتم
اخماش رفت کنار و دوباره چشم های تیره ایش برق زد
+الان شد

رفتم سراغ میز که خیلی کثیف شده بود این همه خوردی
حداقل تمیز میکردی نگاهم به ظرف آب نبات های قلبی افتاد
نصفشو یعنی خورده اینطوری که همیشه یعنی به دندون هاشم فکر
میکنه

تمیز کردن آشپزخونه تموم شد صداس زدم خاتانگ
جوابی نشنیدم

دوباره صدا زدم تانگ کجایی؟
از پنجره نگاه کردم توی حیاط بود بین گلهای رز نشسته بود و

داشت به پروانه های رنگی نگاه می کرد الان که نگاه میکنم چه پسر
زیباییه موهای مشکی رنگ شب چشم های کشیده مشکی براق که
دلم میخواست توشون غرق بشم پوستی شفاف و لب هایی که
بوی توت فرنگیش رو از همین جا حس میکنم چه قدر وقتی که
می خندید زیبا میشد اون پسر واقعا انگار فرشته بود نکنه دارم
عاشقش میشم چی یعنی من عاشق این پسر گربه ای شدم
رفتم پیشش کنارش نشستم

_حیات منو دوست داری؟

با چشم هاش که می خندید نگاهم کرد و گفت آره خیلی آخه دنیای
ما خیلی شبیه اینجاست پراز توت فرنگی و شاتوته پر گیلاسه پراز
گل های رز سفید و رنگ های دیگس من وقتی گربه میشم همیشه
میرم توشون قایم میشم باهاشون بازی می کنم

_پس واسه همینه بوی گل رز و وانیل میدی؟ دیشب وقتی بغلم
بودی حسش کردم راستی تو که بغل من بودی من چرا اون موقع
متوجه نشدم تو انسانی

+دیشب خودمو از بغلت به سختی کشیدم بیرون گفتم اونجوری
بیشتر شوکه میشی

_میدونستی صداتم خیلی جذابه

+من کلا از نظر همه چی عالیم

با خنده گفتم دیگه ازت تعریف میکنم پرو نشو

+این یه واقعیه

_یه چیزی اون همه آب نبات قلبی و کیک و بستنی خوردی اصلا به
فکر دندون هات هستی

+نگران نباش فرفر هستم میتونم یه چیزی ازت بپرسم؟

_بپرس

+به عشق در نگاه اول اعتقاد داری؟
از سؤالش تعجب کردم چرا همچین سوالی میپرسه
_آره یکم

+فکرکنم عاشقت شدم اوه اینجوری اعتراف نمیکنن فکر کنم بد
گفتم باید یه موقعیت دیگه ای میگفتم
واسه این اعتراف کیوتش خندم گرفته بود لب هاشو داده بود جلو
سرش پایین بود نگاهم به لباش سر خورد
+همیشه میدونستم توی مسائل احساسی خوب نیستم آخه بار
اولمه

دیگه نتونستم طاقت بیارم لب هام گذاشتم روی لب هاش گذاشتم
و بوسه آرومی زدم
دستشو گذاشت روی قلبش
+قلبم چه تند تند میزنه یعنی فرفر توام
لبخندی بهش زدم
_آره تانگ منم دوستت دارم
+تانگ؟

_آره دیگه تو به من میگی فرفر منم میگم تانگ راستش دیشب
وقتی یه پیشی کوچولو بودی مهترت به دلم نشست الانم که یه پسر
کیوت و زیبایی عاشقم کردی
+هی اینقدر به من نگو کیوت
_چون هستی

+کی به کی میگه تو خودت هم کیوتی با این چشم های پیشی
شکلت اصلا شاید توام پسر گربه ای یا توت فرنگی باشی هم شبیه
توت فرنگی میمونی هم این گربه های مشکی
_ولی بازم تو بیشتر کیوتی

چشم غره ای رفت
بوسه دیگه ای روی لباش زدم و گفتم خیلی هم دلبری حالا بگو
ببینم تو کی عاشقم شدی
+منم از دیشب پیش خودم گفتم چه پسر جذاب و مهربونی چرا
اینقدر شبیه الهه هاست فقط غرغرو هستی یکم
_آهان دیروز به خاطر یه ماجرای غرغری می کردم ولی تورو که دیدم
همه چی رو فراموش کردم
+فر فرمییای دنیای من؟
_دنیای تو؟
+آره اونجا میتونیم تاابد پیش هم باشیم خیلی از اینجا خوشکل
تره عاشقش میشی
کمی فکر کردم به نظرم خوبه مخصوصا که دلم میخواد پیش
خاتانگ باشم قبول کردم
+خوبه پس چشم هاتو ببند
چشم هامو بستم تا خائو گفت حالا باز کن
به اطرافم نگاه کردم خائو راست می گفت واقعا زیبا بود یه دنیای
رویایی پراز درخت و گل های رنگا رنگ انواع گل های رز سفید صورتی
سفید بنفش و رنگ های دیگه پراز توت فرنگی و آب نبات های
قلبی همونطوری که خائو میگفت
+به دنیای من خوش اومدی دیدی گفتم اینجا چه قدر قشنگه
_واقعا زیباست ولی تانگ من انسان کامل هستم دردسر نمیشه
واست؟
+یه چیزی بگم یادته منو بوسیدی
_مگه میشه فراموش کنم
+خب اون بوسه باعث شد توام مثل من بشی الان شب بشه توام

مثل من گربه میشی ولی بزرگ تری چون سنت از من بیشتره
بغلش کردم

_چه قدر خوب که سر راهم قرار گرفتی پیشی کوچولو
+مرسی از تو که سر راهم قرار گرفتی مثل فرشته کمکم کردی
دوستت دارم فرفر

_منم دوستت دارم تانگ تا همیشه کنارتم

این دفعه خائو بوسه ای روی بینیم زد

+اینم بوسه گربه ای

_عشق توت فرنگی من تو مثل توت فرنگی شیرینی خاتانگ
بوسه ای به لب هاش زدم بوسمون عمیق تر شد حس شیرینی تو
قلب جفتمون بود هیچ کدوم نمی خواستیم این بوسه قطع بشه

the end

